

متن پرسش

سلام استاد: خسته نباشید. بنده در حال خواندن بدایه هستم. مسائل و کتب عرفانی را نگاهی می‌اندازم. مطالب حضرت علامه حسن زاده آملی، آیت الله صمدی آملی، استاد یزدان پناه و استاد امینی نژاد و ... را تا حدودی مطالعه کردم و با مباحث عرفانی بیگانه نیستم. یک سوالی هست که حدود ۹ ماه در حال تحقیق هستم و این تحقیق شائبه‌های گوناگون و مختلفی پیدا کرده است به طوری که نتوانسته‌ام آنها را جمع بندی کنم که این شائبه‌ها بسیار متشکر هم می‌باشد و بحث‌های زیادی هم در این مابین پیش می‌آید. اما خلاصه‌ی تمام این نتیجه‌ها منتج به دو شاهراه اصلی می‌شود که انسان را مخیر و متحیر می‌کند. موضوع بحث مدخلیت علوم حصولی در کشف و مشاهدات است. بنده قصد ندارم که تفصیل نظرات بزرگان را بیان کنم اما اجمالاً می‌توان گفت که دو نظر وجود دارد. نظر اول این است که وقتی سالک از فضای کشف و مشاهده بیرون می‌آید باید بر کشف خود برهان اقامه کند و هر آنچه که در مراتب حضور و به صورت علم حضوری و کشف و شهود ادراک کرده است باید به برهان آنها را عرضه کند و اگر با برهان مماس شد قبول کند و اگر با برهان جور در نیامد معلوم نیست که کشف رحمانی بوده است یا شیطانی و لذا حجتی بر قبول کردن آن ندارد. اما نظر دوم می‌گویند که اصلاً فضایی که سالک در آن قرار می‌گیرد و دچار جذب می‌شود و علومی فراوان در لحظه‌ای کوتاه بر آن می‌گذرد و حالاتی به انسان دست می‌دهد قابل برهانی کردن نیست. و اصولاً می‌گویند این ابزار برهان در فضای کشف و شهود جواب نمی‌دهد چون این ابزار برای آن فضا گویی نیست. و این مسأله خیلی مطلب بزرگی است چون یکی از تأثیرات اش بحث مدخلیت علوم حصولی در علوم حضوری می‌باشد. سر این مسأله چه کنیم؟ روز به روز گیج‌تر می‌شویم. آخر این طوری که من تحقیق کردم مسأله‌ای نیست که دو تا استادی که اسفار درس می‌دهند با هم اختلاف داشته باشند بلکه بین بزرگان در خصوص این قضیه اختلاف نظر وجود دارد و همین بحث و سرفصل مذکور (دو اختلاف نظر) تصمیم‌گیری را برای ما در اموری سخت می‌کند. چه کنیم استاد راهنمایی بفرمایید.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: هر دو نظر در جای خود درست است. در بعضی موارد، شهود انسان طلب تصدیق عقلی را به همراه دارد و لذا عقل، جهت آن امر به میدان می‌آید و برهانی در راستای اثبات حقانیت آن شهود، ارائه می‌دهد. ولی در بعضی موارد شهود، در مقامی است که قلب کاملاً آن را احساس می‌کند و متوجه‌ی حقانیت آن می‌شود و بال و پر عقل، اساساً در آن جا می‌سوزد و آتش

می‌گیرد. چون جای «چشیدن» است و نه «فهمیدن». مرحوم آیت الله شجاعی در جلد اول کتاب «مقالات» در رابطه با انواع کشفها، نکات ارزنده‌ای دارند. موفق باشید